

پاسداشت سردار شهید مدافع حرم  
رضا فرزانه

# شوق حرم

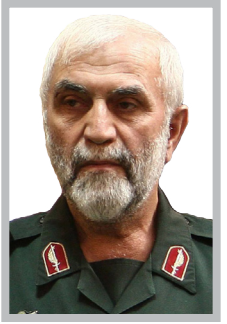
کاری از گروه حماسه و جهاد  
خبرگزاری دفاع مقدس

www.DEFAPRESS.ir

شماره ۲ | چهارشنبه ۲۸ بهمن ۹۴

سردار شهید حسین همدانی  
فرمانده ارشد مستشاری ایران در سوریه  
بود که مهرماه امسال به یاران شهیدش  
همچون محمود شهبازی و محمدابراهیم  
همت پیوست.

او همچنین از فرماندهان لشکر ۲۷  
محمدرسول الله(ص) در دوران دفاع مقدس  
بود، لشکری که راه و رسم شهادت در آن  
فراموش شدنی نیست. روزی همت و عباس  
کریمی و امروز همدانی و فرزانه.



## اخلاق و راستگویی او برای جوانان درس بزرگی است

در راهیان نور شاهد بودیم که ایشان با وجود  
مسئولیت‌های مختلفی که داشت نماز شبش ترک  
نمی‌شد و انس و استمرار در قرائت قرآن و نماز  
داشت. اخلاق و راستگویی او برای همه جوانان در  
راهیان نور درس بزرگی است.



سردار نادر ادیبی  
دبیر ستاد مرکزی راهیان نور

این شعر را به روح پرفتوح سردار پرافتخار و پاسدار  
حرم حرم، رضا فرزانه که همین روزها در سوریه به  
کاروان شهیدان پیوست، تقدیم می‌کنم.

بر شانه‌ات ستاره شب بوسه می‌زند  
بر داغ ما دوباره لهب بوسه می‌زند

روی زمین معرکه افتاده‌ای و باد  
بر گیسوان تو به ادب بوسه می‌زند

عطر تو را به کرب و بلا می‌برد نسیم  
وقتی به خاک سرخ حلب بوسه می‌زند

تو مثل آفتاب بلندی که هر غروب  
بر شانه شکسته شب بوسه می‌زند

پیشانی‌ات نشسته به خون هم به روی خاک  
بر آستان حضرت رب بوسه می‌زند

بر جاده‌ای که گام نهادند عاشقان  
همواره گام‌های طلب بوسه می‌زند

سردار پیرصلابت میدان! هنوز خصم  
بر عزم و رزم تو به عجب بوسه می‌زند

امشب دل‌م گرفته طرز نگاه توست  
اشکی روان به گونه و لب بوسه می‌زند

دیوانه‌ای که در غم فرزانه‌ای نشست  
مهربان را به تاب و به تب بوسه می‌زند...

# مردی از یاران حاج احمد

با صهیونیسم به آنجا رفته بودند. سوریه و  
جبهه مقاومت برای فرزانه یادآور دلآوری‌های  
فرمانده‌اش جاویدالتر احمد متوسلیان بود.  
او در نهایت در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در  
دفاع از حرم به شهادت رسید و پیکرش ماند تا  
بگویند یاران

### حاج احمد متوسلیان

هنوز در میدانند.

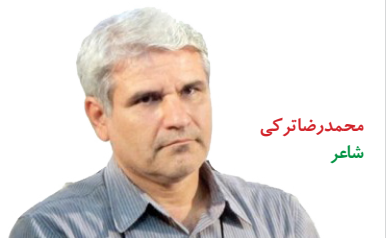


پس از سال‌ها مجاهدت به دوران بازنشستگی  
رسید اما این دلبری نشد که جامه جهاد را از  
تن درآورد. به درخواست مسئولان ستاد مرکزی  
راهیان نور، فرمانده قرارگاه مشترک راهیان نور در  
غرب، شمالغرب و جنوب کشور و مسئول معاونت  
بازرسی ستاد شد و عنوان خادمی شهدا را بر  
سینه‌ی خود چسباند و در هر یادمانی به روایت  
مجاهدت مردان سال‌های خاک و خون پرداخت.  
گرچه روزگار خود را با عنوان خادمی شهدا  
می‌گذراند اما دلش بی‌قرار دوستان شهیدش بود  
و وقتی دید دروازه‌ی شهادت دوباره باز شده است،  
برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) به سوریه رفت.  
زندگی برای پاسدارها جور دیگریست. بازنشستگی  
و پایان کار برایشان معنا ندارد. از نگاه آنان پایان کار  
یعنی لکه‌های قرمز خون بر لباس سبز پاسداری.  
رضا فرزانه پا به سرزمینی گذاشت که روزی  
قوای محمد رسول الله(ص) و عاشقان مبارزه

شوق حرم، در سال‌های نخست جنگ عضو  
لشکری شد که فرمانده‌اش احمد متوسلیان بود.  
مدت زمان بسیار زیادی را در طول سال‌های  
دفاع مقدس در جنگ سپری کرد و بارها به  
مقام جانبازی رسید. نخست در سال ۶۳ در  
منطقه عملیاتی مجنون از ناحیه کتف، سپس  
در سال ۶۵ در منطقه شلمچه از ناحیه سر و  
گوش مجروح و سومین بار در سال ۶۷ در محور  
در بندیکان شیمیایی شد.

در طول جنگ مسئولیت‌های اثرگذاری داشت و  
به یکی از کارشناسان زنده نظامی در حوزه ادوات  
تبدیل شد که در عملیات‌های برون‌مرزی دوران  
دفاع مقدس حضور داشت.

با پایان یافتن دوران دفاع مقدس او از پانزدهمین  
فعالیت‌های مختلفی در حوزه‌های نظامی و عملیاتی  
انجام داد و در برهه‌ای به عنوان فرمانده لشکر  
عملیاتی ۲۷ محمد رسول الله(ص) انتخاب شد.



محمد رضا ترکی  
شاعر



آلبوم

بیانیه

## خادمی شهیدان در ولایت نوری و راهپایه حریم امتع دفاع از خانکدای نوری و رسالت

در پی شهادت سردار شهید «رضا فرزانه» فرمانده قرارگاه مشترک راهیان نور در دفاع از حرم حضرت زینب(س) در سوریه، ستاد مرکزی راهیان نور بیانیه‌ای صادر کرد که در ادامه می‌خوانید:

بسم رب الشهداء والصدیقین  
مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ  
فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا  
بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

شهادت معامله‌ی انسان‌های هوشیار با خداوند است. ولی امر مسلمین جهان حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی روح بلند سردار رشید اسلام، یادگار سال‌های عشق و حماسه‌ی دفاع مقدس و فرمانده صادق و دلسوز عرصه‌های جهاد و ایثار و شهادت در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام با تاسی بر سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام قرین انوار پُر مهر الهی گشت و با شهادت مظلومان‌اش به آرزوی دیرینه‌ای که سال‌ها انتظارش را می‌کشیده، رسید. کسوت پرافتخار خادمی شهیدان در راهیان نور و فرماندهی قرارگاه مشترک راهیان نور، در مناطق عملیاتی، موجب زنده ماندن تعلق به شهیدان و خدمت به اهل بیت علیهم السلام بود که عاشقانه در آن، طی مسیر کرد تا دعای دوستان شهیدش، او را به سر منزل مقصود و حریم امن دفاع از خاندان عصمت و طهارت برساند.

سردار حاج رضا فرزانه، پس از فراغت از فرماندهی لشکر عملیاتی حضرت محمد رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) با حفظ و افزایش روحیه معنوی و مادی‌اش، عطش همراهی با امام زمان(عج) و پیروی از رهبر و امام فرزانه‌اش را همواره در سینه‌اش داشت سرانجام در دهه پر مهر فجر انقلاب در جوار حریم مقبله بنی هاشم حضرت زینب کبری(س) به دست دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام شربت شیرین شهادت را نوشید تا با تزریق خون پاک و مطهرش پر از رویش راهیان نور و خادمین شهیدان بر بالندگی حرکت عظیم فرهنگی انقلاب و گفتن تمدن عظیم اسلامی افزوده شود.

ستاد مرکزی راهیان نور کشور شهادت این شهید کربلایی را محضر فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای عزیز، ملت بزرگ ایران اسلامی، رزمندگان، بسیجیان، هم‌زمان، خانواده و بستگان شهید تبریک و تسلیت و از خداوند متعال برای کلیه مصیبت‌دیدگان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت می‌نماید؛ از خدای منان می‌خواهیم که روح، ریحان، جنات رضوان، رحمت، غفران الهی و حشر با اولیای اطهر محمد(ص) و آل محمد(ص) را نصیب آن شهید والامقام بگرداند.

سید محسن خوشدل در تشریح یاد دفاعی پرسید:

## حضور در خط مقدم را وظیفه خود می‌دانست



از راست: سید محسن خوشدل، حمزه دولابی و شهید رضا فرزانه

**سید محسن خوشدل** از نیروهای ضد زره لشکر ۲۷ محمدرسول الله(ص) در دوران دفاع مقدس، دوست و هم‌زم سردار شهید مدافع حرم «رضا فرزانه» در گفت‌وگو با خبرنگار حماسه و جهاد دفاع پرس اظهار داشت: رضا در دوران دفاع مقدس و امروز، آنجایی که احساس می‌کرد به تخصصش نیاز است، حضور می‌یافت. در دورانی وظیفه خود دانست که در خط اول با رژیم بعث عراق بجنگد و امروز دفاع از اسلام ناب محمدی و مبارزه با تکفیری‌ها را وظیفه خود دانست و به سوریه رفت. او همیشه خط اول بودن را وظیفه و تکلیف خود می‌دانست و شهادت مزد رشادت‌هایش بود.

وی افزود: افتخار نداشتیم که در سوریه همراه او بجنگیم ولی در دوران دفاع مقدس عملیات‌های متعددی از جمله عملیات بدر در کنار یکدیگر بودیم. رضا فرزانه در عملیات بدر مسئول ادوات خمپاره ۶۰ و ۸۱ بود. صبح آغاز عملیات به همراه رضا فرزانه و شهید عباس کریمی برای شناسایی منطقه به خط مقدم رفتیم. محل استقرار قبضه‌ها و نیروها را شناسایی کردیم و بازگشتیم. به دلیل این که پشت سرمان آب بود و دشمن هم آتش سنگینی می‌ریخت، شرایط منطقه حساس شد. نزدیک‌ترین کانال به دشمن را انتخاب و تمام نیروها اعم از پیاده، آربی‌جزن و خمپاره‌اندازها را آنجا مستقر کردیم.

خوشدل تصریح کرد: خمپاره ۸۱ باید عقب‌تر از خط مقدم باشد ولی اگر خط شکسته می‌شد نیروهای

لشکر نجف، عاشورا و ... اسیر می‌شدند، به همین جهت این نوع خمپاره‌ها را هم در کانال مستقر کردیم. سعی داشتیم به هر نحوی شده نگذاریم خط شکسته شود. این نوع خمپاره با دستور دیدبان شلیک می‌شود ولی به دلیل نزدیکی ما به دشمن، رضا فرزانه مستقیماً هدف را می‌دید و دستور شلیک می‌داد.

وی خاطرنشان کرد: به خاطر دارم تانک‌های زیادی به سمت ما در حرکت بودند، رضا با آتش خمپاره علاوه بر حمایت از نیروهای پیاده، تانک‌ها را هم هدف قرار می‌داد. البته ما علاوه بر خمپاره ۸۱ از خمپاره ۶۰ نیز در عملیات بدر استفاده کردیم. دقایق اولیه آغاز عملیات بدر، کنترل جاده العماره - بصره به دست نیروهای ایرانی افتاد. پس از گذشت چند ساعت، ارتش عراق که نیروهایش چند برابر ما بودند با آتش سنگینی شروع به پاتک زدن کردند.

خوشدل گفت: واحد ضد زره، تنها یگان تخصصی ضد تانک در کل لشکرهای سپاه و بسیج محسوب می‌شد. هر کجا که لشکر ۲۷ محمدرسول الله(ص) درگیر عملیات می‌شد، جهت دفع پاتک نیروهای مکانیزه ارتش عراق، به حضور واحد ضد زره نیاز حیاتی فرمانده این واحد بود. من معاون اول واحد ضد زره و هدایت نیروها را برای شکست پاتک عراق برعهده داشتم. عباس کریمی ما را به خط برده بود تا جلوی پیشروی تانک‌ها را بگیریم اما با اتمام باتری موشک مجبور شدیم تا لب هور عقب‌تر برویم.

گفت‌وگو

بخشی از آخرین گفتگوی سردار شهید فرزانه:

## در دفاع مقدس شیعه و سنی مطرح نبود

**شهید رضا فرزانه**، در زمان دفاع مقدس اصلاً بحث شیعه و سنی مطرح نبود. اگر پیشمرگان مسلمان کرد اهل سنت نبودند و اگر حضور نداشتند ما نمی‌توانستیم موفق باشیم زیرا این عزیزان به مناطق آشنا بودند و ما را راهنمایی می‌کردند و وحدت به معنای کامل برقرار بود. ما هم می‌خواهیم با حرکت راهیان نور ارزش‌های دفاع مقدس را زنده کنیم، شما می‌دیدید رزمندگان مشهدی با پیشمرگ اهل سنت برادرانه در یک سنگر هستند الان هم خادمین شهیدان ما در منطقه برادرانه با اهل سنت تعامل دارند و خیلی ارتباط گیری بین هر دو طرف اتفاق افتاده است. مردمی که به اینجا می‌آیند با دیدن این ارتفاعات و جغرافیای منطقه تا حدودی به سختی کار رزمندگان پی می‌برند وقتی می‌بینند چقدر شهیدان اینجا غریب هستند، می‌توانند با فرهنگ رزمندگان آشنا شوند. همه این ضرب المثل معروف را شنیده‌ایم که می‌گوید «شنیدن کی بود مانند دیدن» شاید در نقل‌ها مردم ایران خیلی چیزها درباره کردها شنیده باشند ولی باید بیایند و ببینند که کردها چقدر با فرهنگ هستند و به قول حضرت آقا که فرمودند: کردستان سرزمین فرهنگ و تمدن است. مردم بومی اینجا بسیار مهمان نواز و مهربان هستند، پس وقتی یک نفر از جای دیگر ایران به اینجا می‌آید، می‌تواند با تعریف فرهنگ این منطقه برای اطرافیان، باعث شود مردم با فرهنگ این خله آشنا شوند.

در کل مسیر پان به سردشت شهیدان زیادی را بر اثر کمین ضدانقلاب از دست دادیم، قصد داریم اسامی شهیدان بخصوص گل سرسبشان شهید مهدی زین الدین را در قالب تابلوهایی در طول مسیر مخصوصاً گردنه دارساوین نصب کنیم که یک حالت یادبودی داشته باشد ولی بدلیل موقعیت گردنه و جاده نمی‌توانیم یادمانی را آنجا داشته باشیم.

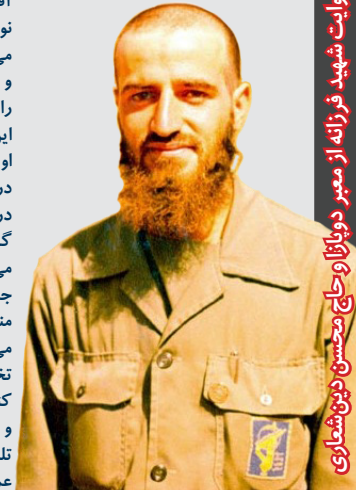
خداحافظ فرمانده کاری از ستاد مرکزی راهیان نور

پوستر



آقامحسن دین شعاری شوخ طبع و بذله‌گو بود. بسیجی‌های نوجوان که به لشکر می‌آمدند، آقا محسن کنار آن‌ها می‌نشست و برایشان فیلم بازی می‌کرد. اشک می‌ریخت و می‌گفت: «هن هفت هشت سال است که پدر و مادرم را ندیده‌ام». بعد بسیجی‌ها متوجه می‌شدند که پدر و مادر این شهید بزرگوار چند سال پیش فوت کرده‌اند. او می‌خواست شادی در جبهه‌های جنگ باشد و رزمندگان در صحنه‌های سخت جنگ روحیه‌اش را حفظ کنند.

در عملیات نصر ۷ ما در شیاری مستقر بودیم و پس از گرفتن ارتفاع باید تدارکات و تسلیحات ما را پشتیبانی می‌کردند. برای این کار باید جاده زده می‌شد که جهادسازندگی متولی آن بود. از آنجایی که زمین‌های منطقه پر از مین بود باید مسیر احداث جاده مین‌روبی می‌شد. آقامحسن دین شعاری نیز در آن عملیات مسئول تخریب بود. ایشان با یک حالت خنده آمد و گفت بروید کنار، این مین‌روبی کار خودم است. آستینش را بالا زد و مشغول ختنی کردن مین‌ها شد. لابه‌لای بوته‌ها سیم تله‌هایی بود که خطرناک بودند. در این حال مین‌المری عمل کرد و حاج محسن دین شعاری آسمانی شد.



روایت شهید فرزانه از معبر دیوانا و حاج محسن دین شعاری